

م . اورنگ

در پاسخ دانشمند محترم حبیب اله آموزگار

گفتار بلند بالائی است از دانشمند گرامی آقای حبیب اله آموزگار در رویهٔ ۱۶ شماره ۱۳۸۴۹ روزنامهٔ اطلاعات ۲۵ تیرماه امسال که از خط و زبان فارسی بدرازا سخن گفته و داوریها و رایزنیها کرده و در این میان کمی هم به نویسندگان فارسی سره بنام اینککه واژه های ناآشنای باستانی را پیدامیکنند و در نوشته های خود می گنجانند خورده گرفته و کارشان را از روی هوی و هوس و تند روی در میهن پرستی خوانده .

اینک من پس از درود به این دوست دانشمند نادیده ، بخشهایی از نوشته شان را در اینجا می آورم و رای خود را میگویم و به داوری خواننده گان واگذار میکنم . درستون پنجم بنام اصلاح زبان فارسی امروز چنین می نویسد : « از مراجعه به مقالات و سخنان نویسندگان و سخنسرایان مستفاد میشود که اینان برای اصلاح زبان فارسی امروز هرچند یکنفریک راه خاصی اظهار میدارند بدین خلاصه : الف - گروه افراطی که معتقد است باید (آری باید!) لغات بیگانه مخصوصاً لغات در اصل عربی را از زبان فارسی بیرون ریخت و بجای آن از میان صدباره های کتابهای کهنه و از میان آثار کهن دینی و ادبی و نقوش و سنگ نبشته ها لغاتی بیرون آورد یا وضع کرد .

زهی تندروی و اشتباهی صاف زیرا این فکر بقدری احساساتی و روی هوی و هوس و افراط در وطن پرستی است که بگفتهٔ دانشمندان عشق بر چیزی چنان آدمی را کور و کرمیکند که جز معشوق چیزی نمی بیند و نمی شنود . »

پاسخ: در برابر گفته‌های استاد باید چند چیز را یادآور شوم. نخست اینکه چنین گروه تندرو سراغ نداریم که بگوید باید واژه‌های عربی را از زبان فارسی بیرون ریخت و بجای آنها واژه‌های ناآشنائی از نوشته‌های کهنه یا از سنگ نبشته‌ها بیرون آورد و گنجایید. زیرا اگرچه نوشته‌های کهنه هم از آن ماست، ولی با دامنه پهن‌آور زبان فارسی نیاز به چنین چیزی نداریم. بلکه می‌توانیم بجای بیشتری از واژه‌های عربی واژه‌های ساده فارسی بگذاریم. مانند واژه‌های «گفتارها، پالایش، تن، ویژه، تندرو، واژه‌ها، ویژه»، بجای واژه‌های: «مقالات، اصلاح، نفر، خاص، افراطی، لغات، مخصوص»، در نوشته ایشان.

دوم اینکه اگر واژه سازی از روی پایه درست باشد و پسندیده مردم گردد، بی‌گمان خوب است و زیبایی ندارد. مانند آهن‌گذاری بجای ذوب آهن و دستکاه آواگیر بجای دستکاه ضبط صوت. ناگفته نماند پذیرش اینگونه واژه‌ها و بساختن و درست کردن آنها با فرهنگستان زبان است.

سوم اینکه گفته‌های: (زهی تند روی و اشتهای صاف)، به این گروه نمی‌چسبد که میخواهند فارسی سره بنویسند و واژه‌های ساده و آشنای فارسی به کار ببرند. زیرا تند روی و اشتهای صاف برای کسانی خواهد بود که بخواهند پای از مرز خود بیرون گذارند و به فرهنگ و زبان دیگران دست آزدراز کنند و به گنجینه فرهنگ و زبان خود بیاورند.

ایمان آنچنان بلند منشان و دادگرانی هستند که میخواهند به سرمایه دانشی خود بسازند و فرارسیده‌ها از دیگران را به خودشان برگردانند تا هر چیزی در جای خود باشد.

چهارم اینکه کور و کر دانستن این گروه میهن پرست بنام اینکه جز دلدادۀ خود چیزی را نمی‌بینند و نمی‌شنوند، درست نیست. زیرا ایمان آنچنان بلند پروازانی

هستند که بجز فرهنگ و زبان فارسی، فرهنگ و زبانهای دیگر را هم می‌بینند و سخن راست و درست و سودبخش را از زبان هرکسی می‌شنوند. چیزی که هست میگویند هر چیز باید در جای خودش باشد.

با سخن دیگر این دسته از کسانی که دم از فارسی سره می‌زنند عربی را هم خوب میدانند و باید هم بدانند. زیرا که مایه و پایهٔ بیشتر نوشته‌های ایرانی، زبان عربی است. مانند مثنوی و گلستان و بسیاری از نوشته‌های دیگر.

پنجم اینکه تند روی در میهن‌پرستی مایهٔ بسی سرافرازی و بفرمودهٔ پیغمبر بزرگ اسلام نشانهٔ دینداری و خداپرستی و سرشت پاک و گوهر تابناک است.

تا اینجا گفت و گو دربارهٔ بخشی از گفته‌های آقای آموزگار بود. اکنون می‌پردازیم به بخش دیگر.

در میانه‌های ستون هفتم چنین گوید: «اینک باید دید چرا این زبان کداینقدر زیبا و شیرین و دلنشین شده و استقلال کشور ما تا حد زیادی مرهون زبان سازان و ادیبان و شاعران و دینداران مسلمان ایران شده قابل تغییر نیست؟ به دو دلیل:

دلیل اول آنکه بیشتر این لغات در مراسم و آداب و واجبات دینی ما از قبیل نماز و روزه و خمس و زکات و معاملات و قضا و حج و جهاد و دفاع جزء اصلی آن وظایف است. چنانکه مثلاً نماز را بهیچ صورت نمی‌توان به غیر عربی خواند. زیرا پیغمبر در تعلیم نماز فرموده: هیچ نمازی بی‌سورهٔ حمد درست نمی‌شود و این سوره یا فاتحهٔ قرآن را نمی‌توان تبدیل یا ترجمه کرد و دیگر آداب نماز را خود شارع اسلام فرمود: نماز را همانگونه بخوانید و انجام دهید که من میخوانم و انجام میدهم. و سایر آداب دینی از طهارت و غسل و وضو و نمازهای واجب اتفاقی و آداب دفن میت همه و همه تا دین اسلام باقی و ایرانی پیر این دین است، همه لغات و کلمات آن توفیقی و تعبدی است. یعنی نمی‌توان آنرا تغییر داد.

دلیل دوم - آنکه امروزه ایران بوسیله آثار ادبی سخن سرایان و شاعران خود در دنیا معروف و مشهور شده و حتی قبر آنان زیارتگاه خاص و عام است. اگر بنا باشد لغات و کلمات نغز و شیوای آن آثار از میان برود یا حروف آن تغییر کند، چیزی نخواهد گذشت که نام ایران و تمدن ایران در عداد سنگ نبشته های تاریخ خواهد شد. من آنچه شرط بلاغ است با هم میهنان عزیزم گفتم تا که قبول افتد و چه در نظر آید.»

پاسخ: نخست اینکه نوشتن فارسی سره با حمد و سوره و راه و روشهای دینی هیچگونه همبستگی ندارد. زیرا کسی نگفته است بنام فارسی نویسی باید نماز را با فارسی بخوانند.

چون آقای آموزگار با فارسی سره نویسی سر و کار ندارد و از آن خوشش نمی آید، می خواهد از راه دین هم آنرا ناروا بنمایاند. اما مردم هشیار هستند و میدانند که چنین نیست. بلکه کاری پسندیده نیز هست که دانشمندان بزرگ اسلامی از هزار سال پیش برای انجام دادن آن گام برداشته اند. ترجمه تفسیر تبری (طبری) و تفسیر ابوالفتح رازی دورنماهایی هستند از فارسی سره یا فارسی ساده. اینک ترجمه سوره حمد از ترجمه تفسیر تبری برای نمونه: (بنام خدای مهربان بخشاینده. شکر خدای را خداوند جهانیان. مهربان بخشاینده. پادشاه روز رستخیز. ترا پرستیم و از تو یاری خواهیم. راه نمای ما را راه راست. راه آن کسهای که منت نهادی برایشان نه آن کسهای که خشم گرفته ای - یعنی جهودان - برایشان، و نه کم شدگان از راه - یعنی ترسانان) .

دوم اینکه فارسی سره نوشتن که برای ازین پس میباشد، با یادگارهای دانشی گذشتگان و دیدار از آرامگاههای آنان بستگی ندارد که از این راه به آنها گزند برسد و خدای نخواسته کار بجائی بکشد که نام ایران تنها در سنگ نبشته ها بماند!

همه این یادگارهای دانش در نزد ایرانیان گرامی و برای همیشه نگاهداری میشوند و با گسترش فرهنگ و دانش از آنها بهره‌گیری می‌گردد .

همه اینها که گفته شد ، در نزد دانایان ژرف بین و پاکدل بخوبی روشن است و هیچگونه پیچیدگی ندارد که نیازمند گفت و گوی زیاد باشد . اما آنچه که در نوشته آقای آموزگار شکفت آور و تکان دهنده و جان خراش است ، بدبینی ایشان به فارسی نویسی است که آنرا مایه نابودی یادگارهای دانشی گذشتگان پنداشته‌اند و سرانجام آنرا تنها درسنگ نبشته‌ها به جا ماندن نام ایران دانسته‌اند که معنی آنرا همه میدانند ! شکفت از این داوری و بهره‌گیری و پیش‌بینی و فال بد که از به‌کار بردن واژه های فارسی چنین رستاخیز بزرگی پدید آید !

خوشبختانه نویدهای دینی از اسلام و آئین ایران باستان برای این سرزمین برخوردار از فر و شکوه خدادادی سرانجام درخشانی نشان میدهد و بی‌گمان هستیم از اینکه زبان فارسی هم آرایشگر نام و نشان و فروشکوه آن خواهد بود .

پدید آمدن سازمانهای ایران شناسی در کشورهای بزرگ جهان ، نمونه‌ئی از این نویدهاست .

پایان نوشته آقای آموزگار : « از همه مهمتر و دندان شکن تر سخن گرانبهای خانم فرخ روپارسای وزیر دانشمند آموزش و پرورش است که آب پاکی روی دست همه ریخته و میگوید تجاوز بحریم زبان و خط فارسی خیانت است و تغییر در اساس خط و زبان نباید به شوخی گرفته شود . »

پاسخ : بلی براستی سخنان ارزنده و دندان شکن وزیر آموزش و پرورش آب پاک به روی دست همه ریخته و به ایرانیان هشدار داده است که باید مرز زبان فارسی را پاسداری کنند و از آلودگی برکنار سازند . آن زبانی که واژه های

فارسی پیچ و مهره و ابزارهای سازمان آن هستند. آن زبانی که شاهنامه شادروان فردوسی توسی و ترجمه تفسیر تبری و تاریخ بلعمی و تفسیر ابوالفتوح رازی نمودار- هائی از آن هستند. آن زبانی که بفرمان فرزند برومند ایران شادروان رضا شاه بزرگ برای پالایش آن گامهای بلندی برداشته شد و از پیکره های دشوار و پیچیده به شیوه های ساده و آسان درآمد.

آن زبانی که بفرمان شاهنشاه آریامهر برای پالایش آن و پاسداری از آن فرهنگستان زبان برپا شده و برنامه و کارش به گفت و گوهای ناسازگار با هم پایان خواهد داد.

دیوان نظامی خرمنی است بزرگ که تمام سخن سنجان عالی مقام و دانشمندان روزگار از آن خوشه چینی کرده و مضمون و معنی ربوده اند. پس اگر دیوان او نبود انواع شعر پارسی حتی غزل سرائی و تغزل بحد کمال نمیرسید و هر گاه بدقت ملاحظه شود مبرهن میگردد که مضامین و افکار اوست که با تغییر شکل و صورت بیت الغزلهای دیوان بسیاری از اساتید سخن را ایجاد کرده است.

کنجینه گنجوی . نویسنده : وحید دستگردی